سال اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل

مرجان کار
تولید کننده بلوک سقفی
تیغه دیواری و خرپای فلزی
info. marjankar.ir
در خدمت توسعه مسکن در شمال کشور
تلفن کارخانه گرگان: ۳۲۱۶۴۵۲۹-۳۲۱۶۴۵۲۵
دفتر فروش گرگان: ۳۲۱۶۴۵۲۷-۳۲۱۶۴۴۵۷

روزنامه ای برای گلستان، مازندران و سمنان
گلشن مهر
دوشنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۹۵ / سال هجدهم / شماره ۱۵۰۴ / ۸ صفحه / ۵۰۰ تومان

لباسشوئی وسکو «مناجاتی»
لباس جهت اطوکشی و
شستشو پذیرفته می شود
با قیمت مناسب
شستشو پتو یک نفره ۵ هزار تومان،
پتوی دو نفره ۶ هزار تومان
گرگان، سرخواجه هفتم (هفت دستگاه)
جنب هفت دستگاه چهارم
همراه: ۰۹۱۱۲۷۸۲۱۰۴

خصوصی سازی در مازندران به «خصوصی خواری»...
۲

رسیدگی به جرایم رایانه ای در محاکم گلستان تخصصی می شود
۳

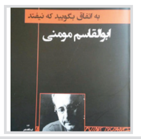

چشم‌های بغض و یقین
۴

خبر

کشف و ضبط ۴۸ دستگاه گوشی قاچاق در گلستان

مدیرکل تعزیرات حکومتی استان گلستان از کشف و توقیف ۲۹۳ دستگاه گوشی موبایل در شهرستان بندرترکمن خبر داد و گفت: از این تعداد ۴۸ دستگاه گوشی موبایل اسناد مثبته نداشته و قاچاق بود.حسین حسن‌پور در گفت‌وگو با فارس اظهار کرد: از فردی در شهرستان‌بندرترکمن‌حدود۲۹۳دستگاه‌گوشی موبایل کشف شد و ماموران مبارزه با قاچاق کالا و ارز شهرستان بندرترکمن اقدام به کشف و ضبط آن کردند، که در این راستا پرونده‌ای در تعزیرات حکومتی تشکیل شد.وی با اشاره به رسیدگی پرونده و ارجاع آن به شعبه تجدید نظر تصریح کرد: در دادگاه‌تجدیدنظر مشخص شد که از تعداد ۲۹۳ دستگاه گوشی کشف و ضبط شده؛ تعداد۴۸ گوشی موبایل اسناد مثبته نداشته‌است.مدیرکل تعزیرات‌حکومتی‌گلستان افزود: متهم در راستای تخلف یاد شده به ۲۵۶ میلیون ریال جزای نقدی و ضبط کالا به نفع دولت محکوم شد.حسن‌پور در خصوص طرح تشدید مبارزه با قاچاق لوازم خانگی، تجهیزات پزشکی و لوازم آرایشی و بهداشتی در سطح استان گفت: این طرح همزمان با سراسر کشور از ابتدای مهرماه جاری در استان گلستان آغاز شده و همچنان ادامه دارد.وی با اشاره به اینکه جلسات متعددی با اصناف و اتحادیه‌های صنفی استان برگزار شده است، اظهار کرد: در فاز نخست هدف ما متمرکز بر آموزش و تذکر بود از ۱۵ الی ۲۰ مهر فاز اجرایی طرح خواهیم شد و اگر احیانا در سطح عرضه، تخلفی مشاهده‌شودتعزیرات‌حکومتی برخورد جدی و قاطعانه با متخلفان خواهد داشت.مدیرکل تعزیرات حکومتی گلستان با بیان اینکه گشت‌های نظارتی در سطح استان فعال است، گفت: نمایندگان صنعت، معدن و تجارت، معاونت غذا و دارو، پلیس آگاهی نظارت جدی در این حوزه دارند و گشت‌های نظارتی دو الی سه بار در طول هفته از واحدهای صنفی بازدید می‌کنند.حسن‌پور از مغازه‌داران و فروشندگان کالا خواست تا اسناد مثبته را در هنگام فروش کالا داشته باشند و بیان کرد: واحدهای صنفی باید فاکتور خرید و برگ سبز داشته باشند در غیر اینصورت کالای آنها قاچاق محسوب می‌شود.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاکید کرد:

پتروشیمی پاسخگو مشکلات اساسی مردم نیست

«۲»

نگارخانه کاپری

فرصتی برای هنرمندان جویای نام

نگارخانه کاپری در راستای حمایت از هنرمندان گرگانی به خصوص جوانان جویای نام، به مدت ۴۵ روز فضای نگارخانه را به رایگان در اختیار هنرمندان گذاشت. به گزارش مهر، شهریوری که گذشت برای هنرمندان برخی از رشته های هنری که تاکنون فرصت برگزاری نمایشگاه چه به شکل انفرادی و چه گروهی برایشان مهیا نشده بود ماه خوبی بود. نگارخانه کاپری در حرکتی زیبا در راستای حمایت از هنرمندان گرگانی طی فراخوانی به مدت ۴۵ روز استفاده از فضای نگارخانه را رایگان در اختیار هنرمندان گذاشت تا این سرمایه های فرهنگی هنری فرصتی برای نمایش آثار خود به همشهریان گرگانی داشته باشند. این نگارخانه که درست جنب سینمای پردیس کاپری قرار دارد فرصت مناسبی بود تا افرادی که برای دیدن آثار سینمایی به کاپری مراجعه می کنند نگاهی هم به نمایشگاه های برپا شده بیندازند.عصر یکی از روزهای پاییزی گذرم به پردیس سینمای کاپری خورد، تجمع مردم در قسمت نگارخانه نظرم را جلب کرد، تصمیم گرفتم نگاهی بیندازم، در نگاه اول تابلوهای نقاشی رنگ روغن وسیاه قلم که با ترتیب خاصی کنارهم چیده شده اند مرا وادار کرد تا انتهای نگارخانه تصاویر را دنبال کنم. از تعداد اسم هایی که روی آثار نوشته بود متوجه شدم نمایشگاه به شکل گروهی...

«۳»

نیازمندیهای روزنامه گلشن مهر منتشر شد
۱۲ هزار نسخه
۰۱۷۳۲۳۲۸۸۵۰-۲
اعطای نمایندگی
نیازمندیهای گلشن‌مهر به شهرستانهای استان گلستان
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۱۷۳۲۳۲۸۸۵۰ تماس حاصل فرمایید.

۷۳ پروژه محوری گلستان احصاء شد

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان از احصاء ۷۳ پروژه مهم و محوری استان در جلسات کارگروه اقتصاد مقاومتی گلستان خبر داد. به گزارش مهر، حسین پیش قدم اظهار کرد: از این پروژه ها ۲۰ پروژه محوری و زیربنایی، ۲۷ پروژه تولیدی و اقتصادی و ۲۶ پروژه اجتماعی و فرهنگی است.وی افزود: تاکنون ۱۵ جلسه کارگروه اقتصاد مقاومتی گلستان با حضور استاندار برگزار و ۱۰۰ موضوع در آن مصوب شد که طرح مباحث مختلف توسط دستگاه‌های عضو ستاد در برش ملی، نقش شهرستان‌ها و کمیته‌های شهرستانی در تحقق اقتصاد مقاومتی، زهکشی ۲۸۰ هکتار از اراضی شمالی استان، معضلات و مشکلات، راه آهن گرگان – گنبد و گرگان – شاهرود و ... از موضوعات مطرح شده در این جلسات بود. رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گلستان همچنین از برگزاری نشست با انجمن پیمانکاران و مشاوران استان برای واگذاری پروژه‌ها به بخش خصوصی خبر داد و تصریح کرد: کمیته‌های حمایت از درونزایی، صنعت تامین و تخصیص منابع، عدالت بنیانی و توسعه اقتصاد مردمی، کمیته استقرار تولیدات و خدمات دانش بنیان، برون گرایی و جذب سرمایه گذاری در استان در راستای اجرای برنامه های اقتصاد مقاومتی تشکیل شد.پیشقدم از برگزاری ۱۸ کمیته ذیل اقتصاد مقاومتی استان خبر داد و اضافه کرد: افزایش سهم اعتبار تسهیلات محرومیت زدایی در روستاهای محروم در فعالیت‌های خرد اقتصادی و تولیدی در بسیج سازندگی، معرفی هشت طرح مشارکتی مصوب شده در کمیته اجرایی استان به معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم با اعتبار ۱۷۴ میلیارد تومان و طرح جامع دانش بنیان کردن کشت گلخانه ای در گلستان از مهم ترین مصوبات جلسات کارگروه اقتصاد مقاومتی استان بوده است.

پاسخگویی تلفنی به سوالات سرشماری گلستانی‌ها

مسئول کمیته تبلیغات و اطلاع‌رسانی ستاد سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استان گلستان، شماره تماس پاسخگویی به سئوالات هم‌استانی‌ها در خصوص سرشماری نفوس و مسکن را اعلام کرد. به گزارش فارس، مجید دهنوی اظهار کرد: از سوی ستاد شماری نفوس و مسکن استان و برای رفاه و پاسخگویی به سئوالات هم استانی‌ها در خصوص سرشماری امسال شماره تلفن ثابت و همراه به صورت پیامک در نظر گرفته شد. وی با بیان اینکه این اقدام برای رفاه و سهولت در اجرای سرشماری اینترنتی انجام شده است، تصریح کرد: برای رفاه حال هم‌استانی‌ها شماره تلفن‌های ثابت ۳۲۴۸۰۰۴۸ و ۳۲۴۸۰۰۴۹ از ساعت هشت صبح الی ۲۰ و شماره همراه ۰۹۳۰۵۵۵۴۱۲۰ به سئوالات تلفنی و پیامکی مردم عزیز گلستان پاسخگو خواهد بود. مسئول کمیته تبلیغات و اطلاع‌رسانی ستاد سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استان گلستان خاطرنشان کرد: برای مشارکت هر چه بیشتر مردم در مرحله سرشماری اینترنتی تلاش شده است از امکانات اینترنتی دستگاه‌های اجرایی استان برای ثبت‌نام رایگان استفاده شود. دهنوی مشارکت در سرشماری اینترنتی صرفه‌جویی در هزینه‌های ملی خواهد بود، یادآور شد: از آنجایی که زمان سرشماری اینترنتی تمدید نمی‌شود لذا از همه گلستانی‌ها خواسته می‌شود در این مرحله مشارکت فعال داشته باشند. وی با بیان اینکه حداکثر زمان وارد شدن و ثبت اطلاعات یک خانوار چهار نفری کمتر از پنج دقیقه هست و با سرعت اینترنت معمولی نیز می‌توان وارد سایت شد و ثبت‌نام کرد، گفت: خانوارهایی که اطلاعات خود را از طریق سامانه اینترنتی ir.www.sarshomari۹۵ وارد کنند دیگر نیازی نیست در سرشماری حضوری شرکت کنند. مسئول کمیته تبلیغات و اطلاع‌رسانی ستاد سرشماری گلستان تاکید کرد: همچنین پس از پایان سرشماری اینترنتی، کدی به فردی که اطلاعات را وارد سامانه کرده است داده می‌شود که خانوار باید در حفظ این کد کوشا باشد زمانی که مامور سرشماری به درب خانه آنها مراجعه کرد با دادن کد به مامور، دیگر سرشماری حضوری نخواهند شد.دهنوی خاطرنشان کرد: در سرشماری نفوس و مسکن امسال به کد پستی توجه ویژه‌ای شده است. گفتنی است؛ مرحله اول از تاریخ سوم تا ۲۴ مهر ماه که به صورت اینترنتی و از طریق مراجعه به سامانه سرشماری نفوس و مسکن است و مرحله دوم از تاریخ ۲۵ مهر ماه لغایت ۲۵ آبان ماه با استفاده از دستگاه تبلت طی مراجعه حضوری مامور سرشماری خواهد بود.

۱۰۸۰ میلیارد ریال تسهیلات سرمایه در گردش و ثابت به واحدهای صنعتی پرداخت شد

مدیرعامل شرکت شهرک های صنعتی استان گلستان گفت: بانک های عامل ۱۰۸۰ میلیارد ریال تسهیلات سرمایه در گردش و ثابت به ۷۶ طرح و واحد صنعتی مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی پرداخت کردند. به گزارش روابط عمومی شرکت شهرک های صنعتی گلستان، حجت اله خلیل زاده اظهار داشت: تاکنون ۲۵۱ طرح و واحد صنعتی با میزان ۳۱۷۱ میلیارد ریال به بانک های عامل معرفی شدند. به گفته وی از مجموع طرح و واحدهای صنعتی معرفی شده، ۱۳۳ واحد صنعتی زیر ۵۰ نفر اشتغال با مبلغ ۱۷۶۶ میلیارد ریال ، ۲۸ واحد صنعتی متوسط بالای ۵۰ نفر اشتغال با مبلغ ۵۹۱ میلیارد ریال و ۹۰ طرح توسعه و ایجادی با ۸۱۴ میلیارد ریال بوده است. خلیل زاده یادآور شد: کمک به راه اندازی ۲۳۸ واحد صنعتی کوچک، کمک به راه اندازی و به ظرفیت رسانی ۲۶ واحد صنعتی متوسط و کمک به راه اندازی و به ظرفیت رسانی ۵۳ طرح نیمه تمام صنعتی با پیشرفت فیزیکی بالای ۶۰ درصد از جمله تکالیفی است که در راستایبرنامه های اقتصاد مقاومتی بر عهده شرکت شهرک های صنعتی گلستان گذاشته شده است. به گفته وی از مجموع طرح و واحدهای صنعتی معرفی شده، ۱۳۳ واحد صنعتی زیر ۵۰ نفر اشتغال با مبلغ ۱۷۶۶ میلیارد ریال ، ۲۸ واحد صنعتی متوسط بالای ۵۰ نفر اشتغال با مبلغ ۵۹۱ میلیارد ریال و ۹۰ طرح توسعه و ایجادی با ۸۱۴ میلیارد ریال بوده است. خلیل زاده یادآور شد: کمک به راه اندازی ۲۳۸ واحد صنعتی کوچک، کمک به راه اندازی و به ظرفیت رسانی ۲۶ واحد صنعتی متوسط و کمک به راه اندازی و به ظرفیت رسانی ۵۳ طرح نیمه تمام صنعتی با پیشرفت فیزیکی بالای ۶۰ درصد از جمله تکالیفی است که در راستایبرنامه های اقتصاد مقاومتی بر عهده شرکت شهرک های صنعتی گلستان گذاشته شده است.معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار خاطرنشان کرد: ما در استان گلستان تا کنون مشکلی در برگزاری کنسرت ها نداشتیم و همواره جایگاه خاصی برای هنرمندان و علاقه مندان به فرهنگ و هنر قائل بوده ایم.وی در پایان وحدت اجتماعی را یکی دیگر از شاخص های استان گلستان عنوان کرد و افزود: استان گلستان رنگین کمانی از اقوام ایرانی و به نوعی یک ایران کوچک است که شیعه و سنی در آن از هر قومیتی برادرانه در کنار هم زندگی می کنند و ما این وحدت مثال زدنی را مدیون مردم عزیز و نماینده محترم ولی فقیه در استان هستیم.

دولت به سهم ۴۹ درصدی در سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی عمل کند

دبیر مجمع نمایندگان گلستان با تاکید بر اینکه دولت باید به سهم ۴۹ درصدی در سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی در گلستان عمل کند، گفت: تنها در چنین شرایطی در سرمایه گذاران رغبت ایجاد می شود. به گزارش مهر، اسدالله قره خانی در جلسه اقتصاد مقاومتی استان گلستان اظهار کرد: مطالعات دقیق زمین شناسی نفت و گاز در استان گلستان در حال انجام است. وی با بیان اینکه گمانه زنی‌ها در حوزه نفت و گاز استان گلستان به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد، افزود: هم اکنون با انجام توافق بین شرکت نفت و مرکز پژوهش های نفتی مطالعات عمیقی در استان در حال انجام است.نماینده مردم علی آبادکتول در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: اکتشافات نفتی در حوزه دریای خزر لرزه نگاری به دو بعدی و سه بعدی انجام شده است و به نظر می رسد دارای ذخیره گاه های نفت و گاز در گلستان هستیم.وی با اظهار امیدواری نسبت به داشتن نفت در استان گلستان، تصریح کرد: گلستان در این حوزه نیازمند هلدینگ های پتروشیمی و نفت و گاز است.قره خانی با تاکید بر اینکه گلستان نیازمندسرمایه گذاری در حوزه صنایع تکمیلی پتروشیمی است، خاطرنشان کرد: دولت باید نقش ۴۹ درصدی خود در این حوزه را اعمال کند و تنها در این شرایط است که رغبت در سرمایه گذاران ایجاد می شود.وی ادامه داد: استان گلستان دارای خطوط لوله گاز از عسلویه، سرخس، کیاسر و ترکمنستان است و در این حوزه وضعیت بسیار مطلوبی دارد و می طلبد تامین اجتماعی در سرمایه گذاری در صنایع پتروشیمی ورود کنند.

خبر

امنیت شغلی در شهرکهای صنعتی مازندران وجود ندارد

عضو مجمع نمایندگان مازندران گفت: امنیت شغلی در شهرکهای صنعتی استان وجود ندارد و افراد برای اشتغال در آن اقبال نشان نمی دهند.به گزارش مهر، عبدالله رضیان در جلسه کارگروه تخصصی اشتغال مازندران با ابراز تاسف اینکه اقبالی برای کار کردن در شهرکهای صنعتی وجود ندارد و شرایط قراردادهای در این محیط ها نوعی استثمار است، افزود: وقتی به شهرک صنعتی بشل سوادکوه به عنوان بزرگترین شهرک صنعتی، نیرویی را معرفی می کنیم، افراد اقبالی نشان نمی دهند و می گویند امنیت شغلی در این محیط وجود ندارد که نیازمند توجه جدی است.وی، اظهار کرد: امروز مهمترین دفاعی که در کشور وجود دارد، این است که چالش ها را برطرف کنیم و مدیریت کشور است و با وجود اینکه مازندران رتبه دوم را در بحث IT و ICT دارد اما بیشترین تولید علمی این حوزه در مرکز کشور انجام می گیرد و اگر بخواهیم جوانان تحصیلکرده استان را به تهران بکشانیم بر جمعیت تهران افزوده خواهد شد.وی با بیان اینکه دکتر واعظی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر معین استان و رییس اتاق مشترک صادرات ایران و حاشیه دریای خزراست، ادامه داد: مرکبات محوری ترین تولیدات استان است و در حال حاضر زمان تولید نارنگی ژاپنی است که در سال گذشته این محصول با قیمت دو هزار ۵۰۰ تومان از کشاورز خریداری می شد ولی امسال به قیمت هزار تومان خریداری می شود.نماینده مردم قائمشهر، جویبار، سوادکوه، سوادکوه شمالی و سیمرغ، ضمن قدردانی از اقداماتی که برای حمایت از برنجکاران استان انجام و جلوی واردات این محصول گرفته شد، گفت: بسیاری از مراجعات مردمی که به ما می شود از قشر فارغ التحصیلان جویای کار هستند که نیاز است در پاسخ به مطالبات این عزیزان برنامه ریزی و مدیریت صورت گیرد.ولی‌الله نانواکناری نماینده مردم بابلسر و فریدونکنار در مجلس نیز اظهار کرد: مازندران ظرفیت بسیاری مناسبی در حوزه اقتصادی دارد و این موضوع سابقه تاریخی دارد و مربوط به حال حاضر نیست و در حال حاضر مازندران به جای جذب نیروی انسانی از دیگر استان‌های کشور به استانی که بیشترین مهاجر را دارد تبدیل شده است.

شعر

- روحی خالقی

پس
ولگرد و پریده رنگ
بنشین و
خو کن به ابتلا ؛ ناچار و
دچار! حالا بلای ، بلای!
پاشیده بلای از سر ناچاری
دست ساز خانگی اش کن
بریز ! با غیظ !
چنارهای افتخارت را لب پنجره بگذار
تاسرت را در افق فرو کنی!
عصب بریده ی
چشمت که مهم نیست
پس بنشین کور
امابپیراهن یک لا قبایی ات را فراموش نکن
آواز هزار کشته از آن می آید
بریز ! بریز ! با غیظ !
دیدی سر انجام عارف شدی ای غایت جنم!

- ماریا سلمانی

حالا که آخر راهه
چرا دستامو می گیری؟
رفیق نیمه راه من
داری تنها کجا میری؟
خودم حتی نمی دونم
چجوری با تو سر کردم؟
همه عمرو جوونیمو
کنار تو هدر کردم
با اینکه از تو برگشتن
برام مثل یه کابوسه
یه تصویری تو بیداری
داره عکسامو می بوسه
نرو دیگه، بمون پیشم
باهام یه ذره سازش کن
با دستای ترک خورده ت
منو غرق نوازش کن
باهام یه ذره سازش کن
نرو دیگه ،بمون پیشم
دارم تو لحظه ی اخر
بهت وابسته ترمیشم
من از حالت خبر دارم
تو حالم رو نمی فهمی
مگه چی داری تو قلبت
که مثل سنگ بی رحمی
نمی خواستم ولی باختم
دلم رو توی این بازی
آخه از چی تو رو ساختن
که هستی از خودت راضی
میخوام با تو باشم اما
یکی نه میگه باور کن
تو میدوون سوت بازی رو
خودت تقدیم داور کن

- پیام آبی

از گروهایی که دعوت
میشوم خارج شدم
جای من آنجا که جای تو در آن خالیست، نیست
در نگاهش خزر و بحر عمان جمع شده
پلکهایش دو امیرند و دو دریا دارش
گیرایی چشمان تو تخصیص زده
بر ماده ی بیست و هفت قانون جزا
هر بیت نگاه تو رو فریاد زدم
روزای نبودنت رو دیوان کردم
آتیش زدی وجودمو حضرت عشق
گرگانو به عشق تو گلستان کردم
خیلیا زیر فشار قسط بانک ،
واسشون حبسای سنگین اومد
چشممون به عفو اونا بود ولی ،
حکم آزادی بنزین اومد
می نشیند شعر میبافد برایم با غزل
دولت عشق اینچنین بافنده را شاعر کند
چارده واژه به من مهلت گفتن دادند
سبک هندی شده این بیت ، پرستیدن تو
گرچه در سر شرر شعر است
شاعران دردسر نمی زایند
شعر سرمایه ی این شاعر بی سیم و زر است
دوستت دارم ، و این خلاصه ی تمام شعرهایی
است که برایت کنار گذاشته ام
با غروبت این مرد زائر دلتنگی شد
شاگرد اول جزا شاعر فرهنگی شد
از همان روز که گفتی وکلا بی ذوقند ،
کل دانشکده ی حقوق و شاعر کردی...
گفت اهل غزل و اهل دل است اما نه
شهریارم بشوم داغ ثریا دارم
شاعران اهل دل و اهل دلان میدانند
شمس میباید اگر شور ملاقاتی هست
مادر از دست من و شعر به تنگ آمده است
همچو استاد، منم «آنچه نباید شده ام»
از دید بزرگان ادب در گرگان
تالار نیامدیم و شاعر نشدیم
با هر ترانه عقده وا کردم
از دفترای شعر ممنونم/شاعری تهمت سختی
است برایم بانو/من فقط ترجمه ی چشم تو را
میدانم/چشم تو کور کند چشم من شاعر اگر
لحظه ای خیره به قافیه ی خورشید شود
پدرم خواست که فرزند مطیعی باشم شعر پیدا
شد و من آنچه نباید شده ام

اجتماعی. فرهنگی. سیاسی. اقتصادی. ورزشی
golshanemehr1@ yahoo.com
صاحب امتیاز: احسان مکتبی
maktabi.ehsan48@gmail.com
مدیرمسئول: مریم قرآنی
ghorani_maryam@yahoo.com
نشانی: گرگان–خیابان امام خمینی–پاساژ قدس–طبقه سوم–تلفکس: ۳۲۲۴۱۱۹۵-۳۲۲۴۴۳۰۲-۰۱۷
نشانی سرپرستی مازندران: ساری–بلوار امام رضا–بعداز هلال احمر–جنب بانک کشاورزی تلفکس: ۳۳۲۵۸۳۳۶-۰۱۱
نشانی سرپرستی سمنان: شاهرود–خیابان ۱۷ شهریور–پاساژ مدرسه قلعه–طبقه دوم–تلفن: ۲۲۲۰۱۷۰
نشانی سازمان آگهی‌های تهران: تهران–خیابان ستارخان–خیابان رحیمی اصل–کوچه ششم شرقی–
پلاکواحد ۸–تلفن: ۸۳۴۲۷–۰۲۱
گلشن مهر
دوشنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۹۵ / سال هجدهم / شماره ۱۵۰۴

«پرسه‌ای در مجموعه شعر «به اتفاق بگویید که نیفتد» ابوالقاسم مؤمنی»

چشم‌های بغض و یقین

نیما صفار سفلایی– «بوتیمار» سری کار است؛ انگار اندازه‌هایی فراتر از یک انتشاراتی برای خویش تعریف کرده باشد و تحت این تعریف کتاب به بازار بفرستد. چرا و چطورش بماند ولی آیا این روال کمکی به بهتر دیده شدن آثار می‌کند؟ «به اتفاق بگویید که نیفتد» مجموعه‌ی ۹۴ شعر اَز ابوالقاسم مؤمنی ست که جز شعر ۵۹ همه در همان صفحه که شروع شده‌اند به انجام رسیده‌اند. کتاب را که باز می‌کنم چیزهایی می‌بینم که چندان جا برایم نمی‌افتند. چرا باید یک انتشاراتی که بیشتر با شعر شناخته شده حیطه‌ای به نام «ایستگاه شعر» برای خودش زیرمجموعه کند و باز زاویه‌ای تنگ‌تر (جنبش‌های ناگهان) زیر نظر «حمید شریف‌نیا»؟ قرار است از در درست وارد شویم یا پای عذرخواهی میان است؟ می‌خواهم عبور کنم و سراغ اشعار بروم ولی می‌پرسم «این شیوه‌ی پکیج کردن پیشاپیش نوع مواجهه‌ی مخاطب با آثار را تعیّن نداده؟» وقتی تحت یک نام انواعی از شعر را موزه می‌کنیم، ولو ستایش‌آمیز، انگار عذر در حین و جریان نبودنِ آثار را پیشاپیش خواسته باشیم و اگر در مورد شاعری که سال‌هاست میان‌مان نیست، این بسته‌بندی موضوعیّتی داشته باشد، وقتی شاعر هم‌نسل خود ماست و حیّ و حاضر چرا؟ حیفم می‌آید این را نگویم که جنبه‌ی نادلپذیر این مجموعه‌سازی وقتی بیشتر رخ می‌کند که بدانیم باگروهی شاعر پریمیتیو یاگل وبلبلی طرف نیستیم وکسانی را می‌خواهیم گروه کنیم که پیش‌تر بارها خود و دیگران را گروه کرده‌اند و بیشتر از این‌ها درگیر بحث و تئوری بوده‌اند. این‌ها را لازم می‌دانم بنویسم چون این شکل ارائه تأثیری لاجرم بر سائق مخاطب می‌گذارد و رک اگر باشم شاید بگویم «مثل انشعابات و پژواک‌هایی از یک جریان تمام‌شده، ولو حسرت‌برانگیز» خوانده می‌شوند. صحبت این است که ما در دسته کردن می‌خواهیم دامن به جریان بزنیم یا پرونده ببندیم؟ آشوب‌گریم یا بازجو؟ آیا بناست تکلیف مسائل را روشن کنیم یا بحران تو کنیم؟ و بی آشوب و بی بحران اصلاً‌چرابیاییم سراغ شعر؟ «ابوالقاسم مؤمنی» راخودمانی‌تر «قاسم مؤمنی» می‌شناسیم؛ عضو کم‌سروصداتر خانواده‌ی مؤمنی‌ها که شاید به حق نام‌شان با «رؤیایی» و «حجم» گره خورده. تردید اگر می‌آورم چون برادر بزرگ‌تر (احمد سینا) بارها از حجم عبور کرده، برگشته، چیزهایی برداشته و باز گذشته، برادر فقید (محمود مؤمنی) دریافت‌های حجم را به ادراک و عاطفه نزدیک کرده و «علی مؤمنی» که به باورم رفتاری حرفه‌ای‌تر با کلمه داشته، وسعت‌هایی تئوریک به ماجرا داده و اگر «حجم» بناست با جانی تازه میان بیاید، شاید شوالیه‌اش علی باشد. امّا: شاید غریب نباشد اگر ببینیم برای بسیاری از پی‌گیران و درگیران شعر برقراری مناسبات با اشعار ابوالقاسم راحت‌تر است و تام‌تر و مکرّر. شاعر از عادات کلامی‌ی حجم نقبی می‌زند به «احوال». احوالی که «من»ش را قابل بازیابی در خودمان می‌بینیم و اتفاقاً «تو»ی ماجراست که اگر جامه نو نکرده، راست از سمت سنت می‌آید؛ همان معشوق/معبود گاه جفاپیشه و همواره خواستنی. اگر مثل شعر ۴۱ (یک قطار/ درون من/ خالی می‌کند/ تفنگی که/ خشم تو/ در آن خوابیده) خشم خوابیده‌ای آمده که این صراحت شاید نداشتیم، با جابجایی ضمایر (یک قطار/ درون تو/ خالی می‌کند/ تفنگی که/ خشم من/ در آن خوابیده) ناگهان صراحت تمام کار و کادر را می‌گیرد. ضمن عرض پوزش از شاعر، یک بازیگوشی‌ی دیگر: شعر ۵۲ (دور این میز/من نشسته‌ام و/ تو/ او/ این/ نگاه احمقانه) بشود (دور این میز/ تو نشسته‌ای/ و/ من/ او/ این/ نگاه احمقانه) که بر خلاف قبلی که خشونت آشکارتر می‌کرد ملایم‌تر می‌شود ولی مانند قبلی کمی حالت دوّم ایهام کم‌تری دارد؛ انگار اتصال نگاه در این حالت دوّم به اوّل شخص محتمل‌تر است؛ چه دیده شود چه برداشت و ... در شعر فارسی هم که جا افتاده ایهام هر چه بیشتر، بهتر. امّا منصف باشیم. این تو، اگر از همان سنت شعری هم آمده باشد، خیلی بیشتر از جامه عوض کردن کار می‌کند: شعر ۶۰: (آنچنان ماه/ بر بستر نقرات/ راه می‌رود/ که خواب/ هنگام بیدار شدن/ از زانو زدی و صبح را/ نشانه گرفتی/ از گلوله‌ات/ یک دریا/عبور خواهد کرد) که البته کنش تو موکول به «ماه» شده و راوی منی بیشتر از دانای کل است که آینده را تسخیر کرده. برش از برش از این سابقه‌دارترین تلاقی می‌گذریم: «... امان بده تا بخوانم/ دوباره خودم را» (شعر ۷۴) «من/ تشنه‌ی ویرانه‌های تو/ که/ وقت وزیدنت/ خام می‌شوم» (شعر ۵) «.../ در/ به تو که باز می‌کنم/ آغاز می‌شود/ آزاد شدنم» (شعر ۵۵) ..... البته مختصّات این تو خیلی دور از من نیست. گاهی به همین صراحت: «برای فریب تو/ ای جان ...» (شعر ۵۶) گاهی با طنزی شیرین و امروزی (دچار رابطه): «... من فقط/ یک

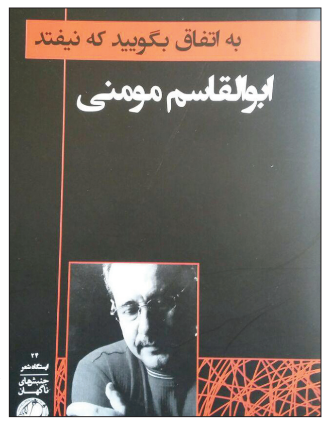

عاشق شدن/ به تو/ بدهکارم» (شعر ۴۳) و گاه فرزند این مغازله به این زیبایی منفجر می‌شود: «عشق/ در لوله‌ی یک تفنگ هم/ اتفاق می‌افتد/ یادت می‌آید/ می‌خواستی/ یک ستاره شلیک کنی/ تا شب شود/ و/ مرا ببینی» (شعر ۳۷) ... اوپی چندان میان نیست و انگار شعر ۱۱ می‌گوید چرا: «مرا/ مگر که مردگان/ به فراموشی بسپارند/ این استخوان اوست/ که بالا می‌رود/ و/ دیوار جماعت می‌سازد/ از این رود/ فقط/ تو/ خیس/ نشدی» شاید من در معاصرتِ تجربه‌ای که این شعر حمل می‌کند را بفهمیم و شاید بفهمم چرا تو هم آتیه می‌شوی هم پناه. پس باید پای شعر ۸۰ زد: بدون شرح: «یک تکه ابر به نام تو/ یک تکه دیدن/ یک تکه ظهر شبیه من/ یک قافله رفتن/ یک لب تمامی‌ی بوسه/ من که با یک تکه آفتاب/ یک برگ، یک سایه/ گمان مبر که دنیا پایان آدم است/ ما/ تا همیشه‌ی ما دنباییم/ تو/ با یک درخت سبزی دریا/ با یک ماهی/ آبی» آیا در این اشعار ضمایر از جان‌های مفروض‌شان کنده شده‌اند؟ گمان نمی‌کنم. چنین قراری بوده؟ نوشتم که شاعر از حجم، قدر نیازش برمی‌دارد. بیشتر پی شاعرانه‌سازی‌ی مسائل است تا مسأله کردن شعر. به انتخابش احترام می‌گذارم: «از روزگار/ فقط/ من مانده‌ام/ و/ تو/ برای نبودنمان/ همین کافی‌ست» (شعر ۱۳) افعال متعدّی نادرند در اشعار و اگر هم که گاهی هستند، تولید کار نمی‌کنند: «یادم باشد/ برای رویاهایم/ نامه‌ای بنویسم/ ...» (شعر ۲۷) «... در باز کردم/ به رویت/ ...» (شعر ۸۹) «می‌تکانم وقتی/ درختی/ بدرقه‌ی راه رفتنت ...» (شعر ۶۴) ... و وقتی دست به کار می‌شوند مانند شعر ۴۲ (دست‌هایم/ بخش‌هایی از تو را/ به دو نیم خواهند کرد/ نیمی‌اش را/ آبی دریایی کن/ نیمی دیگر را/ بهار/ به تو خواهد گفت) کار کار خود دست است و در نهایت محوّل به خبر شاید خیر و شاید خیر. غرض: عنوان کتاب که سطری از شعر نخست است (اگر مقدمه را حساب نکنیم) علاوه بر توضیح تماشاگری و منظره‌گشایی‌ی اشعار، آن هم با روبرویی که «بیشتر یا طی شده یا نشده، نشانی از ناامیدی‌ی معقول من ایرانی‌ست «به همین راضیم. بدترش نکن!» و البته با ایهام غلیظ شده در سنتِ حجم، به شکلی دیالکتیکی پرچم اَتفاق هم بالاست. دست کم دو چیز امکانِ استمرار در خواندنِ اشعار کتاب را بالا می‌برد؛ یکی شماره به جای اسم و خلاص شدن از عادت نام‌گزاری و دیگر آمدنِ شعری جای مقدّمه که «گفتن» را به کتاب سرایت می‌دهد و همان «احوال مشترک» را برمی‌آورد. همین؟ نه. انگار چیدنِ اشعار طوری‌ست که بخواهد یواش یواش سر صحبت را باز کند. امّا با کدام مخاطب؟ همان «تو»؟ بعید می‌دانم. کمی رسمی‌تر: همان دوّم شخص جمعی که بناست آن توصیه را به اتفاق بکند؟ همان که درخواست «گفتن» شده ازش؟ باز هم نه. بیشتر «من» مخاطب را دعوت کرده و فرصت‌های مناسبی هم برای ورودش گذاشته: یکی این که بسیار از موتیف‌های آشنا و سابقه‌مند در کار آورده و در نوع کار زدنشان هم تفاوت‌ها خواسته ظریف و متنوّع باشند. دوباره شعر ۸۰ را می‌خوانم و می‌بینم از جابجایی‌های رؤیایی‌وار که کارشان ادغام/شکستن مناسبات مفهوم و مصداق است، اینجا شاعر همان قدر که لازم داشته برای بیان نگاهش به پدیده‌ها برداشته (مناسبت ما، دنیا، پایان و آدم) و نوع وسعت خودش را ساخته؛ وسعتی که همراهان کمی ندارد '... یا جای عرض عضلانی و ملتهب «اگر آبی درختی بود/ دریا سبز می‌گردید» علی مؤمنی را علیتی ملایم‌تر و مؤمنانه‌تر می‌گیرد. شاید بشود گفتش لطیف شدن عادات حجمی: «دیگرم تو باش/ ای/ ماه مهربان/ که/ در وقت پنهان/ پنهان می‌کنی/ تو را» (شعر ۵۰) ... یا به این دو نمونه کار نگاه کنید و روند معکوس‌شان: «همیشه/ دیر شدن/ معنای آهو نیست/ به این عاشقی/ بیفزایید/ کمی بوسه/ و اندکی دلتنگی» (شعر ۵۴) و «این روزها/ کاری ندارم/ گاه گاهی برای مادرم، نان/ برای/ دختر همسایه انشاء برای/ حوض خانه‌ی‌مان/ که در آن/ ماه درون/ افتاده/ نقاشی می‌کنم» (شعر ۳۵) که در اوّلی از موقعیّت سینرژ و سوبژکتیو به ملموس و دلی رسیده و در دوّمی برعکس و ... و با همین ابایی نداشتن شاعر از گفتن که در سنت شعریش گناه کبیره محسوب می‌شده از بسیار ملایم‌تر می‌پسندم و منتظر بقیه‌اش هستم: «ما را/ مهربانی/ ما/ نجات داد/ نه عاشق بودنِ ما/ دل مبند» (شعر ۹۴) که می‌بینی «من‌وتو»یِ سپری شده و هستی. کتاب اینطوری تمام شده. احوال من، اگر می‌شناسیدم، زمخت‌تر و خشن‌تر است. ولی حالا که خوانده‌ام، می‌خواهم باز خصوصی‌تر بخوانم.

* ترکیبی از مقدّمه‌ی کتاب

مقدمه‌ای بر نوشتن در باره‌ی «نوشته باد نوشتن»

حبیب موسوی بی‌بالانی–از همان اولی که کتاب «نوشته باد نوشتن» علی مؤمنی را دیدم، فکر کردم اگر قرار باشد درباره‌ی نوشتن او کتابی بنویسم؛ چه موضوعاتی برای نوشتن دارم؟ یکّی حتما وزن در شعرِ اوست، و البته اگر برای آیتمش بخواهم عنوانی بگذارم می‌گذارم «نیمایی نویسی به سبکِ علی مؤمنی»، نیمایی نویسی‌ای که محکم است، اجزایش به هم پرچ شده‌اند، و با اصطلاحی که فکر می‌کنم خودِ علی مؤمنی هم بدش نیاید، نه می‌توان واجی از آن کاست، نه واجی به آن افزود. مسئله‌ی بعدی «شعر بودگی» در تمام نوشته‌هاست، این که اولویت حتما با شعر بودن است. دَر همین کتاب نوشته باد نوشتن، حتا تقدیمه‌ها شعرند. هم قسمتی از شعرند، هم قسمتی از امکان شعر شدگی، حتا شاید بتوان گفت پیشنهاداتی برای سبک‌های دیگرِ شعری (جز این سبک که علی مؤمنی دارد) در همینَ تقدیمه‌هاست، به خصوص در تقدیمه‌ی اول کتاب، و تقدیمه‌ی شعرِ آخر، که فیگوری نثری می‌گیرند اما به ذات شعرند. مسئَله‌ی بعدی حتما اسم خاص خواهد بود، که البته آن را هم در تقدیمیه می‌توان جست و جو کرد، هم در تبدیل کردنِ عنوانی عام، به اسم خاص، در شعر و عنوانِ «همسرم» مثلا. و حتما مسئله‌ی سطر و پاراگراف را بایَد مورد بررسی قرار داد، این که چه‌طور جمله را در سطرها خورد می‌کند و هر سطر را تبدیل به جمله می‌کند، و در پیش‌روی جمله‌ها، عبارت را در پاراگراف پخش می‌کند، و به حدی اعتبار می‌دهد به عبارت و پاراگراف که هر پاراگراف یک صفحه‌ای کامل از کتاب را اشغال می‌کند. و البته مسئله‌ی استعاره هم حتما در این شعرها مهم است، این که کلمه چطور در جای خودش جای کلمه‌ی دیگری هست، و آن کلمه‌ی دیگر گاهی خودِ کلمه است، مثلا وقتی می‌گوید: «حیف از سکوت نیست»، سکوت حتما استعاریک در شعر عمل می‌کند، اما استعاره را که واکاوی کنی به خودِ مفهوم «سکوت» خواهی رسید، یعنی «سکوت» استعاره‌ای از مفهوم خودش است. و البته مسئله‌ی «حجم» چه در اصطلاح مَکتب بودگی‌اش، چه در منظرِ تکنیکی‌اش، مورد پی‌گیری‌ست. و مسئله‌ی کتاب البته، شکل و شمایلش، عکس «شاعر» در کتابی که شعرهایش تقدیم به «شاعرها» ست. شاید جاهایی هم باید به آسیب‌شناسی‌هایی دست زد، مثلا در کم بودن بحور وزنی، (اگر چه در این کتاب تنوع بیشتری نسبت به کتاب‌های دیگرش دارد). یا مثلا عبور نکردن از ریخت نیمایی به سپید یا نثر، تا حدی که تقدیمی‌های نثری‌اش هم نیمایی به نظر می‌رسند. و یا تأکیدِ محکمش به «شعر» بودنِ قطعات کتاب، که با لحن اعمال می‌شود، و تأکیدِ محکمش به محکم بودن و رخنه ناپذیری در قطعات، که خیلی باعث هم‌دلی‌ی غیر شاعرانه نخواهد شد، و بیشتر هم‌دلی را شاعرانه می‌طلبد. و چیزهای دیگر البته، شاید در حدِ یک کتاب. راستی چرا تنبلی می‌کنم و این چیزها را در موردِ شاعرانی که شعرشان دوست دارم کتاب نمی‌کنم؟ مثلِ همین «علی مؤمنی».

در باب مهرگان

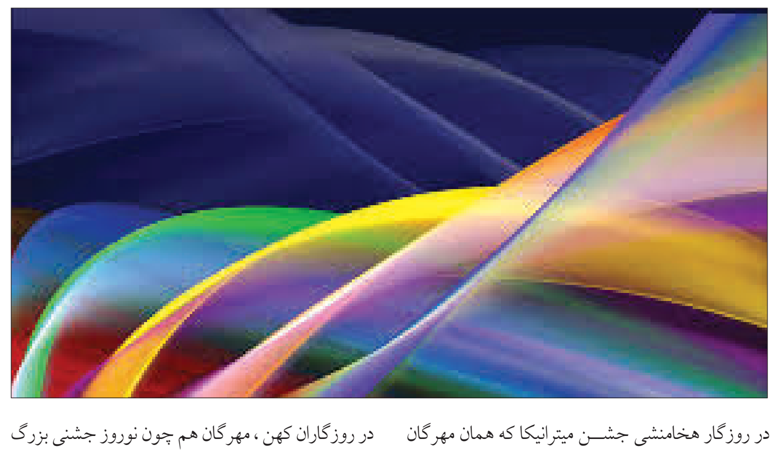

* **علی جهانگیری** – مهر، میترا، میثره یا میثره (ایزد دادوری، جنگجویی، مهربانی و پیمان ها) ایزدی هند و ایرانی است که در بین ایرانیان باستان مقامی همچون «ایندرا» در بین هندوان داشته است و بعد ها توسط زرتشتیان جزو آفرید گان اهورامزدا قلمداد گردیده، نماد او خورشید است که به شکل چلیپا یا صلیبی شکسته نشان داده می شده، که در مناطق مختلف ایران می توانید آن را مشاهده کنید، همچون گردنبند مارلیک گیلان، کاشی های مسجد جامع یزد و بسیاری دیگر، اما کهن ترین ترین نماد مهر در استان گلستان، بر سر در غار کیارام در روستای پادلدل از توابع مینو دشت قرار دارد، طبق بر آورد باستان شناسان قدمت گردونه مهر در گلستان حدود ۷ تا ۱۲ هزار سال است و قدمت سکنای انسان در این غار به عصر پارینه سنگی و حدود صد هزار سال می رسد.

در اوستا می خوانیم :

می‌ستاییم مهرِ دارنده ی دشت‌های پهناور را، او که به همه‌ی سرزمین‌های ایرانی، خانمانی پُر از آشتی، پُر از آرامی و پُر از شادی می‌بخشد.

« مهر یشت »

در اسطوره های ایرانی، جشن مهرگان منسوب است به نبرد کاوه و فریدون با اژدی هاک یا «ضحاک» و رهایی مردم از ستمگری بوده، که در شاهنامه نیز همین مفهوم آورده شده ، در هر صورت به دادگستری و شادمانی در این آئین اشاره دارد، دور انداختن داوری نسبت به یکدیگر در قلب ها و راه دادن مهر و دوستی را در دل، نماد این جشن می دانند

به روز خجسته سرِ مهر ماه / به سر بر نهاد آن کیانی کلاه
زمانه بی اندوه گشت از بدی / گرفتند هر کس ره بخردی
دل از داوری‌ها بپرداختند / به آیین یکی جشن نو ساختند

در روزگار هخامنشی جشن میترانیکا که همان مهرگان ماست در روز اول مهر برگزار می شده است و برای پادشاه در این روز هدیه می بردند و این رسم تا زمان اشکانی در همان روز اول مهر ماه برگزار می شده و با توجه به اینکه روز اول هر ماه در نزد ایرانیان روز پروردگار (هرمزد) نام دارد ودر پائیز و بهار روز اول ماه با شب برابر است (اعتدال خریفی) این برابری به مفهوم ایزد دادوری نزدیک تر است چنان چه ناصر خسرو می گوید :

نوروز به از مهرگان، گرچه / هر دو زمانند، اعتدالی

اما در روزگار ساسانی بر مبنای تقویم زرتشتی که هر روز را که با ماه همان نام یکی می شد جشن می گرفته اند، روز شانزدهم مهر ماه را که «مهر روز» است و چون این جشن در بین دو گاهنبار (روزهای آفرینش) زمین و گیاه قرار می گرفته، آن را جشن می ساختند.

در روزگاران کهن، مهرگان هم چون نوروز جشنی بزرگ بوده تا شش روز آن را ادامه می دادند (شانزدهم تا بیست و یکم)، و همراه با خوردن انواع میوه های فصل و گستردن سفره های رنگ رنگ بوده است. آئین مهر و جشن مهرگان جشنی برای سپاس و ستایش از پروردگار در مورد برکت ها بوده است و در پایان فصل کشاورزی انجام می شده و هنوز هم در بسیاری از مناطق ایران به همین نیت برگزار می گردد بسیاری از بزرگان یا به آئین مهر ارادت داشته و یا با آن کاملا اشنایی داشته اند از جمله فردوسی بزرگ که به نظر بعضی از تحلیل گران در بخش رستم و اسفندیار به گونه ای کنایی رستم را بعنوان پهلوان کیش مهر و اسفندیار را بعنوان دست پرورده ی زرتشت و پهلوان دین زرتشتی در مقابل هم قرار می دهد که نهایتا اسفندیار شکست می خورد.
علامه بزرگ طباطبایی می فرماید:

همی گویم و گفته ام بارها
بود کیش من مهر دلدارها
پرستش ز مستی است در کیش مهر
برونند زین حلقه هشیارها

از نمادهای معروف آئین مهر عدد هفت است که نمادین بودن و تقدس این عدد تا روزگار ما ادامه داشته است هستند تحلیل گرانی که معتقدند هفت شهر عشق یا هفت مرحله ی سلوک ، ریشه در آئین مهر دارد ، در پژوهش هایی که مارتین ورمازن در مورد آئین مهر در ایران و میترائیسم در اروپا داشته ، به این نتیجه رسیده است که با توجه به مراحل هفت گانه در مهر بالاترین مقام به نام « پدر » است ، که هم اکنون در دیانت مسیحی برای مرد روحانی این لقب را در نظر می گیرند ودر تصوف ایرانی مقام پیر است. بسیاری شیوه تحصیلی امروزین و شروع مدارس در ماه مهر را ریشه در همین آئین می دانند که می تواند درست باشد ، زیرا فارغ شدن انسان از کشت و کار و فراغت برای کسب علم در این ماه عقلانی می نماید.
امـا آئین مهر یا کیش مهر یا آئیـن برادری و مهربانی ، تاهنوز در بین ما و در جای جای فرهنگ ما رواج دارد ، هرچند دیگر باورهای کهن راهی به جشن مهرگان ندارند ، اما دور ریختن داوری ها و بخشش قلبی ، به همراه جشن و شادمانی و گریز از ستم نزد ما ارزنده است و همواره خواهد بود .

بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا مپسند
که مکدر شود آینه مهرآیینم « حافظ »

* علی جهانگیری شاعر، پژوهشگر، منتقد و شاهنامه پژوه گرگانی

داستان کوتاه

- محمدخارکوهی

ماجرای چک

به قدری کلافه بودم که حد نداشت. سرم سوت می کشید و حتی صدای تلویزیون را هم درست نمی فهمیدم. پلک هایم سنگین بود، می خواستم کمی روی تخت استراحت کنم. اما صدای زنگ تلفن همراهم خواب را از چشمانم ربود، یک پیامک آمده بود: سلام. تا فردا صبر می کنم پول را جور نکنی چک را اجرا می گذارم.

فکرم بدجوری مغشوش شد. پیامکی برایش دادم که دست نگه دارد، اما در جوابم گفت، به پول چک برای تامین جهیزیه دخترش نیاز دارد. پیشنهاد کردم وام بگیرد و خودم ضمانتش را می کنم، ولی زیر بار نرفت. عصر با ناامیدی رفتم مغازه ، تا شب ماندم . بر عکس همیشه، اصلا فروش خوبی نداشتم. می دانستم این پول تا فردا جور نمی شود. به هر دری زدم نشد، مُخم هَنگ کرده بود. یکی هم که حاضر به دادن شد حرف هایش بوی ربا می داد. گفتم نه! من فقط برای چند روز قرض می خواهم، اهل نزول و این حرام کاری ها نیستم. خیلی ناراحت بودم، آخر شب وقتی داشتم مغازه را می بستم یک پیر مردی عصا بدست با ظاهری که گویای تنگ دستیش بود از من کمک مالی خواست. من اصلا حال درستی نداشتم. ولی یک اسکناس کم ارزش به او دادم . کلی دعایم کرد. وقتی به خانه رسیدم مثل جنازه افتادم روی تخت ؛ اصلا نمی دانستم که به طوری باید این پول را تا فردا تهیه کنم. این اولین بار بود که این طور درمانده می شدم. اگر چک برگشت می خورد ، به زندان می افتادم. هم آبرویم می رفت و هم خانواده ام دچار مشکل می شدند. گیج و مبهوت بودم . انگار چیزی زیر گوشم صدا کرد، چشم هایم را نیمه باز کردم ، دیدم روی صفحه ی تلفن همراهم این پیام آمده:

انتقال وجه : ۵۰،۰۰۰،۰۰۰+ ریال
مانده: ۵۰،۴۹۶،۱۷۸ ریال

خواب از سرم پرید. آخه چه کسی ۵ میلیون پول به حسابم انتقال داده؟! شاید یکی از کسانی که قبلا از مغازه ام جنس نسیه برده بود، باشد. استعلام گرفتم، حدسم درست بود، دو سال پیش آقای خسروی که جوانی با جُربزه بود با زحمت زیاد مغازه کوچکی باز کرد. او تازه ازدواج کرده بود و از من هم کمک خواست. قرار بود پول اجناسم را دو ماهه بدهد. اما خانمش مریض شد و خرجش زیاد. من هم دلم سوخت و به رویش نیاوردم. تا این که امروز فهمیدم مشکلاتش برطرف شده است. خیلی خوشحال شدم ؛ واقعا حالم خوب شد. بلافاصله به صاحب چک زنگ زدم تا ۵ میلیونش را تسویه کنم. بعد از کمی معطلی توی بانک ، برگشتم خانه. آرامش عجیبی داشتم، چون چند شب بود که درست نمی خوابیدم ، کمی استراحت کردم و برای رفتن به مغازه آماده شدم. الهی به امید تو . ناگهان پیرمردی که شب قبل به او کمک کرده بودم آن طرف خیابان دیدم، با قد خمیده منتظر تاکسی بود. متوجه من نشد. یادم آمد از دعای خیرش .

خبر

جشنواره باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان در گنبدکاووس برگزار می‌شود

مدیر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان گنبدکاووس گفت: به صورت آزمایشی امسال در ۱۵ شهر نامزد پایتخت کتاب ایران، جشنواره باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان برگزار می‌شود. رضا شجاعی در گفت‌وگو با تسنیم افزود: این جشنواره یکی از دستاوردهای طرح انتخاب و معرفی پایتخت کتاب ایران است. مدیر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گنبدکاووس تصریح کرد: براساس این طرح حداقل هر ۱۲تا ۱۵ کودک یا نوجوان یک باشگاه کتاب‌خوانی تشکیل می‌دهند که این باشگاه‌ها می‌تواند در کتابخانه‌ها، مدارس، مراکز کانون، فرهنگ‌سرا، مجتمع‌های مسکونی و... تشکیل شود.شجاعی اظهار کرد: پس از تشکیل باشگاه و ثبت در دبیرخانه مرکزی از سوی دبیرخانه کتاب‌هایی مختص این باشگاه به کتاب‌فروشی شهرهای مورد نظر ایران ارسال می‌شود. وی ادامه داد: اعضای باشگاه‌ها با در دست داشتن کارت مخصوص به کتاب فروشی مراجعه و تنها همان کتاب‌ها را با ۴۰ درصد تخفیف خریداری و پس از مطالعه نظرات خود را در قالب نقد و پیشنهاد به نویسنده کتاب نوشته ، از نگاه خود کتاب برتر را انتخاب کرده و سپس با حضور نمایندگان این کتاب‌ها داوری و کتاب برگزیده از نظر کودکان و نوجوانان شهر انتخاب می‌شود.وی هدف از این کار را کمک به افزایش سرانه مطالعه میان کودکان و نوجوانان دانست و گفت: ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی، ارتباط بین اهل قلم و کودکان و نوجوانان، افزایش توان بحث و قدرت تحلیل و تفکر انتقادی در کودکان و نوجوانان و گسترش فرهنگ همکاری و مشارکت در انجام کار گروهی از دیگر اهداف این برنامه است.